

حماس و اسرائیل بر سر دو راهی

مصاحبه دکتر ابراهیم یزدی با خبرنگار روز

۱۳۸۵/۴/۱۴

درگیری اخیر فلسطینی ها و اسرائیلی ها، و گروگان گیری یک سرباز اسرائیلی، در حال تبدیل به بحران و خطر جدیدی در خاورمیانه شده است. روزانلین در این خصوص با ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه دولت موقت و آشنا به مسائل فلسطین گفت و گو کرده است. او معتقد است این حوادث "طوفان پیش از آرامش است".

تحلیل شما از درگیری اخیر بین فلسطینی ها و اسرائیلی ها چیست؟

حوادثی که در فلسطین رخ داده چند وجه دارد. یک وجه آن این است که اسرائیل حاضر نیست یک دولت مستقل فلسطینی را در سرزمین های اشغالی ۱۹۶۷ بپذیرد. بنابراین دنبال بهانه می گردد تا معادله را برهم بزند. از طرف دیگر مبارزات مردم فلسطین در طول ۵۰ سال گذشته این اجماع نظر را در تمام دنیا به وجود آورده که باید یک دولت مستقل فلسطینی در نواحی اشغال شده در جنگ ۶۷ تشکیل شود؛ نوار غزه و سواحل غربی رودخانه اردن و بیت المقدس شرقی. اسرائیل در برابر این اجماع جهانی نمی تواند به طور صریح و روشن مخالفت بکند بنابراین دنبال بهانه گیری است. از طرف دیگر اکثریت ساکنین اسرائیل در همه پرسسی های مختلف خواستار آن شده اند که دولت اسرائیل بیت المقدس شرقی را به فلسطینی ها واگذار کند، تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی را بپذیرد و نواحی اشغالی را تخلیه کند. پس اسرائیل هم از درون با مردمش طرف است که فشار می آورند این جنگ بی پایان پرهزینه پایان یابد و هم در نزد افکار عمومی جهان چنین وضعیتی دارد.

البته اسرائیل هم برای نپذیرفتن صلح دلایل خود را دارد؛ چون اگر صلح را بپذیرد به تدریج و در طول چند دهه علت وجودی یک دولت یهودی مذهبی در آن منطقه از بین می رود. این امر ممکن است ۵۰ سال دیگر به وقوع بپیوندد اما الان قضیه این دو دولت مطرح است. از آن طرف حماس در یک انتخابات دموکراتیک، زیر نظر نهادهای بین المللی اکثریت را به دست آورده و حال با یک بحران روبرو است. یعنی حماس یا نمی بایستی دولت تشکیل می داد و مسئولیت دولت را می پذیرفت و همچنان به عنوان یک سازمان انقلابی باقی می ماند، یا حال که پذیرفته نمی تواند انتظار داشته باشد جهان آن را در صورت نقض تعهدات فلسطین به رسمیت بشناسد؛ تعهداتی که یاسر عرفات و ابومازن آنها را پذیرفته بودند. بنابراین حماس هم در معرض آزمون بزرگی است. دنیا هم در صورتی در مورد عقب نشینی به اسرائیل فشار می آورد که فلسطینی ها از طریق مذاکره پیش روند. اما اگر حوادثی اتفاق بیفتد و عملیات نظامی صورت بگیرد به اسرائیل بهانه داده می شود که بازی را برهم بزند. اختلاف محمود عباس با حماس در این است که طرفداران سازمان آزادیبخش می گویند در چنین شرایطی مبارزه سیاسی نتیجه بخش است نه مبارزه نظامی.

حال حماس بر سر دو راهی است یا باید بپذیرد و به قراردادهای بین المللی تن بدهد یا بگوید من این شرایط را نمی پذیرم و دولت و مجلس استعفا دهد و انتخابات دیگری برگزار شود. اما هر دو جریان،

یعنی هم اسرائیلی‌ها و هم فلسطینی‌ها، در نقطه سرنوشت‌سازی هستند. حماس می‌گوید ما یک شاخه سیاسی داریم و یک شاخه نظامی و این کارها را شاخه نظامی می‌کند اما از آن طرف هم اسرائیل نشان داده که با حملات نظامی نمی‌تواند به اهدافش برسد. هم در داخل اسرائیل و هم در خارج فشار زیادی روی دولت اسرائیل است. هم اکنون هم که به بهانه آزاد کردن یک سرباز اسرائیلی این عملیات را صورت داده اند دنیا در برابر اسرائیل معترض است. پس هر دو طرف در معرض یک آزمون مهم هستند و باید تغییراتی اساسی در معادله بدهند. از این نظر شاید تعبیر این حوادث به عنوان یک "طوفان پیش از آرامش" درست باشد.

این حوادث و درگیری‌ها بیشتر به سود اسرائیلی‌ها تمام می‌شود تا به سود فلسطینی‌ها؟×
در کوتاه مدت به نفع اسرائیل است. برای اینکه لابی قوی اسرائیل تبلیغات می‌کند که فلسطینی‌ها، همه تروریست هستند. از طرف دیگر دنیا می‌گوید راه حل، راه حل نظامی نیست و به اسرائیلی‌ها فشار می‌آورد که خویشتنداری کنند. از آن طرف هم به دولت فلسطین فشار می‌آورند که باید دولت اسرائیل را به رسمیت بشناسد. مشکلی که الان حماس دارد این است که رییس جمهور فلسطین، که وارث دولت قبلی است، همانند تمام کشورهای عربی اسرائیل را به رسمیت شناخته است و با هم مذاکره می‌کنند؛ اما حماس از ابتدا این مسئله را نپذیرفته است. بعد از فشارهایی هم که وارد آمد، تنها از طریق نخست وزیر اعلام کردند در حال حاضر می‌خواهیم دولت فلسطینی را در سرزمین‌های اشغالی سال ۶۷ تشکیل دهیم. یعنی هنوز نگفته که اسرائیل را به رسمیت می‌شناسد. بنابراین دولتی در فلسطین با آرای مردم بر سرکار آمده که می‌گوید من اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسم. اسرائیل هم می‌گوید اگر تو مرا به رسمیت نشناسی دلیل ندارد با تو مذاکره کنم.

وقتی حماس در انتخابات پیروز شد شما نسبت به صلح خاورمیانه اظهار خوشبینی کردید. آیا باز هم این خوش بینی را دارید؟

بله. من معتقدم این عملیات نهایتاً هم اسرائیل را مجبور می‌کند واقعیت را بپذیرد و هم حماس را. اگرچه اسرائیل تشکیل یک دولت فلسطینی را پذیرفته و اگرچه تمام شهرک‌های یهودی‌نشین را در غزه تخلیه کرده و نیروهایش را بیرون کشیده؛ اما باز هم برای تخلیه شهرک‌های یهودی‌نشین در سواحل رودخانه اردن تعهد نداده است. حتی در آنجا دیوار حائل هم درست کرده است. فلسطینی‌ها هم نسبت به این امر معترض هستند اما هم دولت شارون و هم دولت جدید اسرائیل همچنان بر آن دیوار حائل اصرار می‌ورزند.

پس فلسطینی‌ها یا باید از طریق نظامی با آنها برخورد کنند یا از طریق مذاکرات سیاسی. محمود عباس و یارانش می‌گویند در شرایط فعلی جهان، باید از طریق دیپلماتیک اسرائیل را وادار به تخلیه کرد درحالی‌که حماس این را قبول ندارد. اما خوش بینی من از این جهت است که هیچ راه حل دیگری وجود ندارد جز اینکه اسرائیل تمام مناطق اشغالی را تخلیه کند و یک دولت مستقل فلسطینی را به پایتختی بیت المقدس شرقی بپذیرد؛ و فلسطینی‌ها هم باید دولت اسرائیل را به رسمیت بشناسند. اگر در کوتاه مدت این فرمول عملی شود در درازمدت باقی مشکلات هم حل می‌شود. همانگونه که روزی گروه‌های تندرو به یاسر عرفات ایراد گرفتند که چرا پیمان اسلو را با اسرائیل امضا کرد اما بعد به اشتباه خود پی بردند،

امروزه هم اینچنین می شود. آن روزها وقتی یاسر عرفات آن پیمان را قبول کرد تندروها به او انتقاد کردند اما وقایع بعدی نشان داد که حق با یاسر عرفات است. اکنون هم حق به جانب محمود عباس است و حماس هم باید این راه را ادامه دهد.

چه تضمینی وجود دارد که حماس از مواضعش کوتاه بیاید یا اسرائیل عقب نشینی کند؟ چون فلسطینی ها در یک موضع بسیار محکم سیاسی نشستند. حتی آمریکا هم تشکیل دولت مستقل فلسطینی را پذیرفته. اتحادیه اروپا و سازمان ملل و همه دنیا این را پذیرفته اند. وقتی دنیا پذیرفته، باید این را نهادینه کرد. برای نهادینه کردن هم به تعبیر خود فلسطینی ها باید به قدرت حق توسل کرد. یک زمانی اسرائیل از موضع قدرت حرکت می کرد و می گفت چون قدرت دارم پس حق دارم، فلسطینی ها هم با همین زبان می خواستند قدرت پیدا کنند و با زبان قدرت سخن بگویند؛ اما حالا معادله به این صورت شده که دنیا حق فلسطین را پذیرفته و حال فلسطینی می گوید باید با قدرت حق حرکت کنم. به نظر من این نگاه واقع بینانه ای است و اگر از این مسیر بروند نتیجه می گیرند.

اصلا حماس چرا این کار را کرد؟

من نمی دانم ... به نظر من در ارزیابی هایشان اشتباه کردند ... حماس اگر کاندیدا نمی شد و به عنوان یک معارض همچنان باقی می ماند و از پایین فشار می آورد به نفع فلسطینی ها بود. معادله اینگونه بود که اسرائیلی ها یا می بایست به محمود عباس امتیاز می دادند یا خطر حماس را تحمل می کردند. هنگامی که حماس برنده شد بسیاری از تحلیل گران اسرائیلی شارون را ملامت کردند که به اندازه کافی به محمود عباس امتیاز نداده است. این سیاستی بود که سال ها فلسطینی ها به کار می بردند. در درون خودشان دو جناح چپ و راست تشکیل داده بودند و اسرائیل مجبور می شد از ترس حماس به محمود عباس امتیاز دهد. اما حال حماس به قدرت رسیده. در واقع حماس همیشه می بایست به عنوان یک لولو خورخوره و قدرت خطرناک در مقابل اسرائیل می بود تا اسرائیلی ها مجبور می شدند از ترس آنها به محمود عباس امتیاز دهند. اما الان آن موقعیت از دست رفته است.